قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره اول | چهارشنبه ۷ عقرب ۱۳۸۲ | ۳ رمضان المبارک ۱٤۲٤ - | 29 October 2003

سرمقاله
در دور ششم نشراتی
مجاهد یک ساله شد
ص۲

د روژی دمیاشتی
فضیلت
ص٦

احکام روزهٔ
ماه رمضان
ص۳

چرا نشر مسودهٔ قانون اساسی به تعویق افتاد؟

عزیز الله واصفی:

امـریـکایی ها بایـد بامردم مشورت کنـند، اگـر اینها به مشوره های مردم گوش ندهند، در افغانستان ناکام خواهند شد

عبدالغفور لیوال:

قانون اساسی پس از تسوید وتدقیق به ریاست دولت سپرده شده است که بعد از اعمال تغیراتی باید به زبان های دری وپشتو ترجمه گردد، این کار وقت می خواهد

داکتر محی الدین مهدی:

کمیسیون تسوید و تدقیق قانون اساسی مستقل و با صلاحیت نبوده زیر فشار مقامات دولتی وحلقات خارجی قرار دارد


عزیز الله واصفی


عبدالغفور لیوال


دکتر محی الدین مهدی

ماه هاست که «قانون اساسی جدید افغانستان» مراحل تدوین وتسوید را گذشتانده است، اما غرض آگاهی مردم به مطبوعات سپرده نمی شود در حالی که مدت کوتاهی به تدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی باقی مانده است.

مطبوعات افغانستان در طی این مدت بانشر مقالات ونقطه نظرهای گوناگون این تعلل واحتراز را انتقاد کرده اند. ولی از آنجایی که مطبوعات کشور همیشه از لحاظ عکس العمل وبرآورده شدن خواستهای جامعهٔ فرهنگی یک هرافه بوده ودولت وسایر نهادهای وابسته به آن نیز گوش شنوایی ندارند، لذا به ص۵

عبدالستار صدیقی

قانون اساسی
در هاله یی از تشویش واضطراب مردم

بعد از تدویر کنفرانس بن در سال۲۰۰۱، تصمیم بر این شد که تاتدوین وتصویب قانون اساسی جدید، قانون اساسی سال ۱۳۴۳به استثنای دوفصل(شاه وشورا) مورد اعتبار قرار گرفته ودر موارد مهم، به همان قانون مراجعه صورت گیرد. اما باوجود نافذ بودن قانون اساسی سال۱۳۴۳، در مواردی تخطی هایی از آن قانون صورت گرفته است.

نداشتن پارلمان مشکل بسیار عمده برای دولت انتقالی اسلامی بوده است. باآن که همیشه از نظام مردم سالار وحرکت در مسیرجامعهٔ مدنی وحاکمیت قانون صحبت می شود وبرخی از اراکین دولت خود را علمدار مردم سالاری می دانند، اما تجربهٔ دوسال اخیر نشان داده است که بیشترین صدمه برتشکیل نظام قانون سالار، از جانب همان هایی وارده شده است که زیاد تر از آن نوع نظام سخن می گویند.

در عدم حضور پارلمان، برخی از افراد در مقامات بلند حکومت فرصت یافتند تاتصامیم بسیار بزرگ را به شکل خود سرانه اتخاذ نمایند وحتی در مواردی، سرمایهٔ ملی را به گرو بگذارند.

عقد قرار دادهای بیست ساله بامؤسسات خارجی، واضحاً که از صلاحیت یک حکومت انتقالی دوساله نیست. اما جای بسیار تأسف دارد که حتی معینان دولت انتقالی، معاهداتی را برای بیست سال بابرخی از مؤسسات خارجی به امضا رسانیده اند واسفناک تراین که مواد این قرار دادها به هیچ نحوی به نفع افغانستان نیست. ص۲

انتخابات لویه جرگهٔ قانون اساسی ادامه دارد

ثبت نام نمایندگان دور اول لویه جرگه؛ اضطراری ۲۷ ولایت از جمله؛ ۳۲ ولایت کشور تکمیل گردیده است. پروسه؛ ثبت نام در ولایات ارزگان، کندهار، کابل، وپکتیا در دست اجرا قرار دارد. ثبت نام نمایندگان (رأی دهندگان) ولسوالی ها جریان دارد تا آن ها در انتخابات ولایتی اشتراک نموده و نمایندگان خویش را به لویه جرگه؛ قانون اساسی انتخاب نمایند. انتخابات در مراکز هشت گانه؛ ولایات کشور (کابل، بامیان، مزار شریف، کندز، هرات، قندهار، گردیز وجلال آباد) برگزار خواهد شد. اعضای لویه جرگه؛ قانون اساسی در ماه قوس در کابل، پایتخت کشور، تشکیل جلسه خواهند داد.

بر اساس گزارش دار الانشای کمیسیون قانون اساسی، انتخابات ولایت غور به تاریخ ۲ عقرب ۱۳۸۲ در حوزهٔ انتخاباتی مرکز ولایت هرات برگزار شد. جمعاً به تعداد ۲۴۴ نفر نماینده (رأی دهندهٔ) ولسوالی ها در انتخابات مذکور اشتراک ورزیدند تا ۷ نفر نماینده؛ خویش را به لویه جرگه؛ قانون اساسی انتخاب نمایند. انتخابات از سوی مسؤولان دفتر ساحه یی دار الانشای قانون اساسی به همکاری کارمندان دفتر یوناما برگزار شد.

از میان هفت نماینده؛ انتخاب شده یک نفر مورد منازعه قرار گرفت زیرا بر اساس فرمان ریاست دولت انتخاب کارمندان عالی رتبه به لویه جرگه؛ قانون اساسی ممنوع می باشد.

بدین ترتیب انتخابات مجدد برگزار خواهد شد و یک نماینده؛ دیگر را انتخاب خواهند کرد.

بر اساس یک گزارش دیگر ثبت نام و انتخابات زنان در ولایت غزنی به تاریخ ۱ عقرب ۱۳۸۲ صورت گرفت. جمعاً به تعداد ۶۰ زن از ولسوالی های مختلف و مو؛سسات مربوط به زنان در انتخابات اشتراک نمودند که در نتیجه دو تن به حیث نماینده به لویه جرگه؛ قانون اساسی انتخاب شدند.

دفتر دار الانشا شکایات تحریری را از اهالی غزنی دریافت نموده است که حکایت از آن دارد که تعداد اشتراک کنندگان زن، در انتخابات، به حد کافی نبوده است بناً انتخابات مجدد، به منظور انتخاب دو تن زن به حیث نمایندگان لویه جرگه؛ قانون اسلسی، برگزار شود. وازین رو انتخابات مجدد در غزنی به زودی برگزار خواهد شد.

تغییرات اداری در ولایت بلخ و پی آمدهای آن

در پی درگیری های هفته؛ گذشته بین نیروهای جنرال عطا محمد و جنرال دوستم که باعملیات گسترده؛ جنبش در صفحات شمال کشور آغاز گردید و در نتیجه؛ آن بیش از پنجاه تن کشته و زخمی گردیدند عده یی از مسوولان ولایت بلخ از وظیفه سبک دوش شدند و افرادی جدید جای ایشان را گرفتند.

این تغییرات به دنبال برقراری آتش بس و عقب نشینی نیروهای جنبش از اطراف شهر مزار به ولایت های سرپل و جوزجان وفاریاب صورت گرفته است که انجنیر حبیب الله به حیث سرپرست ولایت بلخ، محمد ظاهر وحدت به حیث معاون والی، خاکریزوال قوماندان امنیهٔ قندهار به حیث قوماندان امنیه؛ بلخ، محمد یونس به حیث سرپرست شهرداری بلخ مقرر گردیده اند.

جنرال عطا محمد قوماندان قول اردوی شماره هفت، محمد اسحق رهگذر والی سابق آن ولایت طی گفتگوهایی حمایت و پشتیبانی خویش را از تغییرات اداری جدید اعلان نمودند اما جنرال دوستم از این تعیینات و تغییرات ابراز نارضایتی کرده است او به خبرنگاران گفت بدون مشوره؛ وی این مقرری ها صورت گرفته است اگر در آینده چنین اقدامی صورت گیرد از آن حمایت نخواهد کرد. او در اعتراض به این تغییرات حتی ص۶

مولانا محمد عمر الهی به لقاء الله پیوست

مولانا محمد عمر الهی فرزند مولانان عبدالودود الهی به تاریخ ۲۰ میزان ۱۳۸۲ مطابق ۱۴ شعبان ۱۴۲۴ هـ.ق در ولسوالی چاه آب ولایت تخار به عمر ۹۶ سالگی پدرود حیات گفت. مولانا الهی تحصیلات خود را در دارالعلوم دیوبند در هندوستان به پایان رساند و پس از مراجعت به وطن به تدریس علوم دینی و فلسفه و منطق اشتغال ورزید. وبه عنوان یکی از چهره های سرشناس علمی شهرت یافت. جنازه مرحوم در ولسوالی چاه آب به خاک سپرده شده است. ومحفل دعا خوانی وی به روز پنجشنبه در مسجد شاه دوشمیره علیه الرحمه برگزار می گردد.

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

در دور ششم نشراتی

مجاهد یک ساله شد

با آمدن ۱۱عقرب "مجاهد" یک سال از عمر خود را در دور ششم نشراتی اش پشت سر می نهد.

مجاهد در نخستین شماره اش در یک سال پیش با لحاظ داشتن شرایط و اوضاع تازهٔ جامعهٔ افغانستان اهدافی را هبردی را مطمح نظر خود ساخته بود.

نشر اسلام و ارزشهای برین آن به عنوان دین و جانمایهٔ فرهنگ و تاریخ این سرزمین و نیز رمز وحدت ملی در این کشور و دفاع از ارزشهای راستین جهاد و مقاومت مردم و حمایت از آزادی و مردمسالاری و حرکت به سوی جامعهٔ مدنی و تکیه بر تسامح و پرهیز از خشونت در مناسبات درونی و برونی و تلاش در جهت توسعهٔ فرهنگی و سیاسی واقتصادی و اولویت دادن به منافع ملی و ... از رسالتهای ویژه خود در این مرحله یی از تاریخ کشور خوانده بود. البته دید مجاهد به هر یکی از این ارزشها بستگی به منظومهٔ اندیشگی کلان آن دارد که همه بر محور آن در پویایی حرکت می کند. هیچ یکی از این اندیشه ها را بسته به کسانی که انان خویشتن را بریده وجدا از این منظومه معرفی می کنند نمی انگارد. هر چند ممکن است برخی از این اندیشه ها در برخی از جایها به گونه یی مطرح شود که برای شماری بیگانه از آموزه های وحیانی و اندیشگی دینی ما جلوه کند.

اکنون اگر مجاهد در طی یک سال تلاش خود گامی نه چندان بلند در جهت دست یافتن به این هدفهای متعالی برداشته باشد کاری درجهت رسالت خویش انجام داده است وخود را در انجام آن وام دار فیض الهی می داند و اگر چنین نکرده باشد لاجرم به خطار فته است و آن را از لغزشهای خویش و وسوسه های شیطان رانده شده می شمارد وبرای جبران آن جز عذر تقصیر به پیشگاه خوانندگان خود وطلب آمرزش از پروردگار عالمیان ندارد زیرا که همهٔ آدمیان خطاکارند و بهترین آنان بازگردندگان از این خطا کاری .

مجاهد در این دوران کار خود تنها به بازگو کردن دیدگاههای جمعیت در مسائل گونه گون از مسائل کلان ملی و کشوری گرفته تا موضوعات ذوقی وهنری بسنده نکرده است بلکه به شیوهٔ همیشگی خویش با اعتقاد به تنوع و چند گونگی در معاملات و داد وستد های جامعهٔ انسانی صفحات خویش را به روی آراء و نظریات دیگران نیز گشوده و بلکه حضورآنها را به گرمی استقبال کرده است هر چند در برخی از موارد این آراء و اندیشه ها مخالف دیدگاه های جمعیت هم بوده است .

لذا مدیریت مسؤول و هیأت تحریر مجاهد از همه کسانی که به گونه یی آن را با ارسال مطالب و ابراز آراء ونظریات و نقد و انتقاد و نصیحت واشتراک و ... در این مدت یاری داده اند سپاسگزاری می کند و کماکان به یاری و همراهی آنان در طی طریق به سوی آن هدف های بزرگ ومتعالی چشم امید دوخته است. ودرپایان صواب می بیند که همه خوانندگان عزیز خود را به ابراز نظر دربارهٔ شیوهٔ کار خویش درطی یک سال فراخواند تا شود در آرای صائب آنان زادی برای سفر دشوار در پیش رویش به چنگ آرد.

قانون اساسی در هاله یی از تشویش و ...

همان هایی که بیشتر از دیگران در مورد بازپرس از حیف ومیل دارایی های عامه سخن می رانند، بیشتر از دیگران به عقد این گونه قرار دادها اقدام کرده اند ومعلوم نیست که بالآخره روزی فراخواهد رسید تاپارلمان مردم افغانستان، آنان را به توضیح بخواند یاخیر؟

مشکل دیگر نداشتن پارلمان، تصویب قوانین توسط شورای وزیران است که به نوبهٔ خود اختلاطی از قوای اجرائیه ومقننه را در داخل نظام به وجود آورده است.

تصویب عجولانهٔ برخی قوانین مانند قانون احزاب توسط کابینه، نشان می دهد که تشویش هایی از ایجاد پارلمان نزد دولت انتقالی موجود است.

آیا بسیار لازم نبود که پیش از هراقدامی دیگر به ایجاد پارلمان به گونه یی مسؤولانه پرداخته می شد؟ واگر دلسوزانه ومسؤولانه بیندیشیم وبهانه جویی ها کنار گذاشته شود، آیا باحذف پارلمان بزرگترین صدمه بر پیکر نظام مردم سالار وارد نیامده است؟ کی ها در مورد این سهل انگاری مسؤول اند؟

کاستی هایی زیاد از این گونه در پیکر دولت انتقالی اسلامی موجود است که جدی نگرفتن قانون اساسی ۱۳۴۳وعدم تأسیس یک شورای ناظر برتطبیق قانون اساسی، از آن جمله است.

به هرمنوال، در آغاز، هنگامی که شورایی تحت نام کمیسیون تسوید قانون اساسی به وجود آمد، فکر می شد که مقامات دولت در کار کمیسیون از اعمال نفوذ وقدرت، استفاده نخواهند برد. مقامات بلند پایهٔ دولت نیز در آغاز کار کمیسیون، در صحبت های خود اشاراتی به مستقل بودن کمیسیون داشتند، اما رفته رفته واضح گردید که کمیسیون شدیداًتحت فشار ونظارت دولت قرار دارد.

کاملاً روشن است که هرگونه فشار از جانب دولت در کار کمیسیون، به تدوین قانونی منجر خواهد گردید که با اراده وخواست مردم فاصله دارد.

مقامات دولت بافشار آوردن برکمیسیون تسوید وتدقیق قانون اساسی می کوشند تاحیطهٔ صلاحیت واختیارات خود را در چوکات قانون، وسیعتر بسازند. در این مورد مثال هایی نیز وجود دارد که نشان می دهد قانون اساسی۱۳۴۳در برخی موارد، مردمی تر از قانون اساسی یی است که قرار است به تصویب برسد. مثلاً در قانون اساسی۱۳۴۳، نشر پول وتصمیم در مورد آن از صلاحیت پارلمان خوانده شده است؛ اما قرار اطلاعات در قانون فعلی کوشش براین بوده است تامواردی از این قبیل در حیطهٔ صلاحیت رئیس دولت گذاشته شود.

سوال اساسی این است که اگر قانون فعلی، اختیارات نمایندگان مردم را کم ساخته ودر عوض بخش اعظم تصامیم کشوری را در اختیار رئیس دولت قرار می دهد؛ پس چه ضرورتی به تدوین چنین قانونی موجود بود وچگونه باید انتظار داشت که حرکت در مسیر جامعهٔ مردم سالار منحرف نگردد؟

مثال هایی نیز وجود دارد که نشان می دهد قانون اساسی۱۳۴۳در برخی موارد، مردمی تر از قانون اساسی یی است که قرار است به تصویب برسد.

با توجه به ضرورت اشد افغانستان به قانون اساسی، کمیسیون تسوید آن قانون ازهمان آغاز در محراق توجه مجامع بین المللی قرار گرفت.

آقای کمی چی کمانو سفیر کشور جاپان مقیم کابل به تاریخ۵حمل۱۳۸۲ در ملاقاتی باپوهاند نعمت الله شهرانی رئیس کمیسیون تسوید قانون اساسی وعده داد که۷۵۰ هزار دلار امریکایی را به آن کمیسیون مساعدت می نماید ودر برابر، اطمینان داده شد که در تدوین قانون اساسی آینده، استفاده از آرای عمومی ومراجعه به افکار جمعی از اولویت های کاری کمیسیون تسوید قانون اساسی می باشد.

یک ماه بعد تر از این ملاقات، برمبنای فرمانی ازجانب رئیس دولت، کمیسیون تدقیق قانون اساسی بااشتراک۳۷تن اعلام گردید. در فرمان رئیس دولت، رئیس کمیسیون ومنشی کمیسیون نیز از قبل انتخاب شده بودند. در متن فرمان تصریح گردیده که صدور فرمان از تاریخ اول ثور۱۳۸۲اعتبار داشته وکمیسیون تسوید از همان تاریخ ملغی قرار داده شده است. مطبوعات رسمی دولت متن فرمان را در۵ثور به نشر سپردند وکار کمیسیون دو روز بعد تر توسط شاه سابق که مقام تشریفاتی بابای ملت را دارد، افتتاح گردید.

به زودی کمیسیون تدقیق یک سلسله کارهای تبلیغاتی را آغاز نمود وبه تدویر محافل وگفت وشنود بااقشار مختلف مردم مختلف پرداخته شد. اما هیچ گونه تصمیمی برای در نظر گرفتن آرای مرم گرفته نشد وحتی برخی از اقدامات ناقص کمیسیون نشان داد که تمام این گونه اقدامات نمایشی وتبلیغاتی است.

در یک میلیون پرسشنامه هایی که به مردم توزیع گردیده، سوال هایی بسیار کلی وعمومی گنجانیده شده بود که براساس مبانی واساسات احصائیه گیری، به هیچ وجه نمی توان قبول کرد که آن پرسشنامه ها مورد استفادهٔ بعدی قرار گرفته باشد. زیرا اصل معمول در پرسشنامه ها برای احصائیه گیری همین است که پاسخ پرسش ها اکثراً به"بلی" و"نه" می باشد. این کار می تواند احصائیه گیری وشمارش آرا را بسیار ساده بسازد. اما در پرسشنامه های قانون اساسی حتی از مردم خواسته شده بود تامتنی برای مقدمهٔ قانون اساسی بنویسند. واضح است که جمع بندی واحصائیه گیری از متن های متعدد کاری است که فرصت چند ساله می طلبد!

احصائیه گیری هایی از این گونه، بیشتر به کمک برنامه های **Database** صورت می گیرد، اما آن گونه که به ملاحظه رسیده در تشکیلات کمیسیون تدقیق برای متخصصان **Database** جایی در نظر گرفته نشده وتمرکز بیشتر روی دفاتر مطبوعاتی وتبلیغاتی صورت گرفته است.

به روز۱۴ثور ۱۳۸۲ عبدالسلام عظیمی معاون کمیسیون تدقیق قانون اساسی طی یک کنفرانس مطبوعاتی وعده سپرد که شورای بزرگ(لویه جرگه) تصویب قانون اساسی، در ماه میزان برگزار می گردد. اما گذشت زمان واضح ساخت که کمیسیون تدقیق قانون اساسی، برنامهٔ منظم کاری نداشته است. زیرا تازه حالا که در ماه عقرب قرار داریم، مرحلهٔ ابتدایی انتخاب نمایندگان مردم آغاز می یابد.

از نقطهٔ نظر واکنش ها، ماه سنبله باداغ ترین مباحثات در مورد قانون اساسی سپری گردید. به روز سه شنبه۱۱سنبله رئیس دولت، اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی را ملاقات کرد. مطبوعات افشا نمودند که در این ملاقات معاونان ریاست دولت، اعضای کابینه، وزرای مشاور وبرخی از اعضای شورای عالی امنیت ملی نیز اشتراک داشتند.

هم اکنون مسودهٔ نشر ناشدهٔ قانون اساسی درهاله یی از اضطراب وتشویش مردم قرار دارد؛ شایعات زیادی در مورد بروز اختلافات درمیان رده های بلند دولت موجود است،

برخی از نشریه ها گزارش دادند که فضای عادی ملاقات در دقایق نخستین به جروبحث های تند وبگومگو ها تبدیل گردید، وحتی به اعضای کمیسیون گفته شد که شما یک کمیسیون دولتی هستید باید مطابق احکام ودساتیر دولت عمل نمایید وبه این ترتیب باسپری شدن۴ماه از آغاز کارکمیسیون تدقیق،جنبهٔ دولتی بودن کمیسیون افشا گردید وموجب گردید تاتشویش ها ودلهره هایی در مورد برخی از مواد قانون اساسی نزد مردم ایجاد گردد. ص۶

احکام روزهٔ ماه رمضان

سید ناصر تقدسی

گرچه همه ماه ها ماه خدا وهمه روزها روزخدا است، ولی از میان ماه ها وروزها پروردگار بزرگ برخی از ماه ها وروزها را بیشتر فضیلت وارزش بخشیده است که ماه وروز رمضان از همین ماه ها وروزهای پربرکت ومیمون به شمار می رود. از این که ما در روزهای آغازین این ماه باعظمت قرار داریم وبرای این که توانسته باشیم روزهٔ این ماه خدا را به درستی ادا نماییم، در این نبشتهٔ کوتاه سعی خواهیم کرد تااحکام مربوط به روزهٔ ماه رمضان را به گونه یی مختصر تبیین کنیم.

تعریف روزه:

روزه که در زبان عربی صوم گفته می شود، در لغت به معنای باز ایستادن وترک کردن چیزی آمده است.

ودر اصطلاح عبارث است از: نگهداشتن شخص، نفس خویش را از تمام خوردنی ها، نوشیدنی ها وغرایز جنسی، به نیت روزه از طلوع صبح تافرونشست آفتاب.

فرضیت روزه:

روزهٔ ماه مبارک رمضان براساس این فرمودهٔ خداوند(یاأیها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم)

"ای آنانی که ایمان آورده اید، روزه برشما فرض گردانیده شده است، چنان که برکسانی که پیش ازشما بودند فرض گردانده شده بود."

واین فرمایش پیامبر اسلام: (بنی الإسلام علی خمس: شهاده أن لاإله إلاالله وأن محمداً رسول الله، وإقام الصلاه، وإیتاء الزکاه، وصوم رمضان، وحج البیت من استطاع إلیه سبیلاً.)

"اسلام برپنج چیز بناشده است: گواهی براین که هیچ معبودی به جز خدانیست، ومحمد فرستادهٔ او است، برپاداشتن نماز، دادن زکات، روزهٔ ماه رمضان وحج خانهٔ کعبه برکسی که توان رفتن به آن را داشته باشد".

برتمام مسلمانان روی زمین فرض گردیده است.

تاریخ فرضیت روزه: روزهٔ رمضان به روز دوشنبه یک نیم سال بعد از هجرت رسول اکرم، یعنی در سال دوم هجری فرض گردیده است.

شروط روزه:

شرایط روزه بر دوگونه است:

الف:- شروط وجوب: که عبارتند از: ۱- اسلام، یعنی روزهٔ کافر درست نیست.

۲- بلوغ، اگر کسی قبل از بلوغ روزه بگیرد، روزه اش نفلی خواهد بود. ۳- صحت مندی وتوانایی بر روزه داشتن. ۴- مقیم بودن وعدم مسافرت.

ب:- شروط صحت ادا: شرطهای صحت ادای روزه عبارتند از: ۱- نیت، یعنی ارادهٔ قلبی برای روزه گرفتن. ۲- پاک بودن از حیض ونفاس. ۳- نبود چیزهایی که به فساد روزه می انجامد.

فرایض روزه:

در جریان روز از دمیدن بامداد تاغروب آفتاب بر روزه دار فرض است که از سه چیز اجتناب کند:

۱- خوردن.۲- نوشیدن. ۳- لذت جنسی که شامل تمام لذایذی می گردد که عادتاً موجب خروج منی شود.

سنت ها ومستحبات روزه:

۱- سحری کردن، هرچند بادانه یی از خرما ویاجرعه یی از آب بوده باشد. ۲- بعد از غروب آفتاب وپیش از ادای نماز شام به عجله افطار کردن. ۳- در وقت افطار این دعا را خواندن: (اللهم لک صمت وعلی رزقک افطرت) "بار خدایا، برای تو روزه گرفتم وبه رزق تو افطار کردم" وبعد از افطار این دعا را زمزمه کردن: (ذهب الظمأ، وابتلت العروق، وثبت الأجر ان شاء الله) "تشنگی از میان رفت، رگها پروسیراب شد واگر خدا خواست ثواب نیز خواهد رسید."

۴-نیت کردن قبل از دمیدن صبح، البته تنها نیت قلبی معتبر است واگر به زبان نیز نیت کرد باید بااین الفاظ نیت بندد: (نویت وبصوم الیوم من شهر رمضان) "نیت کردم برای امروز، روزهٔ ماه رمضان را"

دوری از کارهایی که در آن گناه باشد، مانند غیبت، سخن چینی، دروغ وزور گویی در هرزمان واجب، است. والبته در رمضان واجب تر خواهد بود.

۵-افطاری دادن برای روزه داران. ۶ - غسل از جنابت وحیض ونفاس پیش از طلوع صبح. ۷- اجتناب از سخنان واعمالی که در آن گناه نباشد، ولی دوری از کارهایی که در آن گناه باشد، مانند غیبت، سخن چینی. دروغ وزور گویی در هرزمان واجب، است. والبته در رمضان واجب تر خواهد بود. ۸- ترک لذت های دیدنی، شنیدنی وبوییدنی که روزه را باطل نمی گرداند. ۹- اشتغال به فراگیری علم، تلاوت قرآنکریم، ذکر الهی ودرود برپیامبر. ۱۰- اعتکاف در دههٔ اخیر ماه رمضان وشب زنده داری لیله القدر.

مکروهات روزه:

۱- چشیدن وجویدن چیزی بدون عذر شرعی، البته چشیدن نمک طعام برای بانوانی که مسئولیت پخت وپز را بر عهده دارند، از این امر مستثنی می باشد.

۲- جویدن ساجقی که در ترکیب آن شیرینی ومواد ذائقه دار بکار نرفته باشد، واگر در ترکیب آن ازچنین موادی استفاده شده باشد، منجر به فساد روزه می شود.

۳- بوسیدن، به آغوش کشیدن، برهنه بازی کردن ودست زدن بربدن زن، در صورتی که از انزال ووقوع جماع مطمئن نباشد، اما در صورت اطمینان، باکی نخواهد داشت.

۴- بدون کدام موجبی لعاب دهن را جمع کردن وفرو بردن.

۵- پرهیز از کارهایی که انجام آن انسان را به ضعف مبتلا سازد، مانند خون دادن نشتر زدن وغیره.

۶- شستن دهن وبینی بیش از ضرورت.

۷- به تأخیر انداختن غسل از شب به روز بدون کدام عذر.

۸- غیبت، دروغ ودشنام دادن برکسی.

۹- بطور عمدی گرد وغبار را در حلق جمع کردن.

چیزهایی که روزه را مکروه نمی سازد:

۱- از روی فراموشی چیزی خوردن، نوشیدن ویاباهمسر جماع کردن.

۲- در خواب احتلام شدن. ۳- سرمه کردن، وبوییدن خوشبویی. ۴- باهمسر خود یکجا خوابیدن بوسه کردن ودر آغوش گرفتن به شرطی که از خطر انزال ووقوع جماع مطمئن باشد. ۵- بادیدن عضو مخصوص زن ویاباتفکر در امور جنسی انزال شدن. ۶- انزال شدن در اثر لمس عضو تناسلی حیوان. ۷- انداختن تیل ویادوا در سوراخ ذکر. ۷ - جماع کردن باهمسر به فکر این که شب است اما در اثنای جماع متوجه می شود که روز است وبطور فوری از همسر جدا می شود. ۹- داخل شدن آب در گوش. ۱۰- قی کردن بی اختیار ولوبخشی از آن در حلق فرو رود. ۱۱- مسواک کردن. ۱۲- در اثر گرمی، آب در دهن وبینی انداختن.

کارهایی که روزه را فاسد می کند:

۱- خوردن. ۲- نوشیدن. ۳- حصول لذت جنسی.

اما باید از یادنبریم که مفسدات روزه به دو دسته تقسیم می شود: یکی آن که فقط موجب قضا می گردد ودیگری آن که موجب قضاو کفاره می شود.

حالاتی که تنها موجب قضا می شود:

۱- خوردن ونوشیدن در وقت سحری به گمان این که روز نشده ولی بعداً معلوم می شود که این کار در صبح انجام یافته است. ۲- افطار کردن قبل از غروب به فکر این که آفتاب غروب کرده است. ۳- اگر چیزی بی اراده بلع شود وبه معده برسد. ۴- کسی به زور چیزی را به روزه دار بخوراند. ۵- روزه داری که به اکراه ویابه سبب بی هوشی به عمل جنسی واداشته شود. ۶- اگر کسی در حالت جهالت بازن مرده، طفل خورد سال یاچهار پای مرتکب عمل جنسی شود ویاهنگام ملاعبت وبوسیدن ویا در اثر استمنا انزال گردد. ۷- بدون نیت روزه، از شکننده های آن دوری کردن ویابعد از زوال نیت کردن. چه در این صورت روزه صحیح نیست وباید قضایی آورده شود. ۸- زنی که در اثنای روزه وارد مرحلهٔ حیض ونفاس می شود. ۹- قصداً به پری دهن قی کردن به شرطی که بعد از قی کردن روزه اش را دوام داده باشد. ۱۰- زنی که در شرمگاه خویش دوا یاتیل بیفگند وآن چیز داخل برود. ۱۱- در حالت مسواک کردن از بیره ویاجایی دیگر خون بیرون شود وبه حلق فرو رود. ۱۲- کسی که سهواً چیزی بخورد ویابنوشد وسپس به گمان این که روزه اش شکسته چیزی بطور قصدی بخورد.

حالاتی که موجب قضا وکفاره می گردد:

۱- بطور قصدی جماع کردن، یا لواطت نمودن. ۲- همبستر شدن زن ومرد بگونه یی که به اندازهٔ ختنه گاه عضو مرد در فرج زن داخل شود، فرقی نمی کند که منی خارج شود یانه. ۳- خوردن عمدی چیزی که عادتاً برای خوردن ویاتداوی استعمال گردد.۴- جماع کردن مرد بازنی که در حالت خواب ویابی هوشی بوده باشد. ۵- انجام دادن کاری که معمولاً شکنندهٔ روزه نیست ولی بعد از آن به فکر این که روزه فاسد شده روزه اش را بخورد.

درهمه حالت های فوق، قضا وکفاره هردو واجب می شود.

معاذیر ترک روزه:

شماری از معاذیر وجود دارد که اگر انسان به یکی از آنها گرفتار آید، نگرفتن روزه جایز است، ومعاذیر مزبور از این قرار اند:

۱- سفر: به شرطی که مسافت سفر به قدری باشد که نماز چهار رکعتی در آن قصر گردد.

۲- بیماری: مریضی که توان روزه گرفتن ندارد ویاروزه باعث دوام مرض وشدت آن می شود.

۳- حمل: زنی بار دار که اگر روزه بگیرد، به طفلی که در شکم دارد ویابه خودش ضرر برسد.

۴- شیردادن: زنی که طفل شیرخوار داشته باشد واگر روزه بگیرد، آن طفل به نحوی متضرر می گردد.

۵- گرسنگی وتشنگی شدید: اگر شخص از شدت گرسنگی وتشنگی آن قدر بی تاب گردیده باشد که تداوم روزه به خطرجان ویاعقلش تمام شود.

۶- ضعف وپیری زیاد: شخص باید بعد از اعادهٔ نیرو، روزه اش را قضا آرد، اما اگر شخص پیر، امیدی برای توانمندی اش بخاطر قضای روزه وجود نداشت، باید فدیه دهد.

۷- ترس از هلاکت: اگر به علتی از علت ها گرفتن روزه مایهٔ هلاکت شخص گردد. نگرفتن روزه مجاز است.

۸- جهاد: در حالتی که مسلمان در صحنهٔ جهاد قرار داشته باشد واین اندیشه وجود داشته باشد که روزه گرفتن موجب ضعف خواهد شد، نگرفتن آن جایزاست.

۹-بی هوشی وجنون: در این دو صورت اگر شخص، بهبود نیابد، بر او نه فدیه است ونه قضا، اما اگر بهبود یابد قضای روزه لازم می گردد.

این بود خلاصه یی از احکام مربوط به روزه که رعایت آن برای روزه دار حتمی پنداشته می شود.

مراجع:

۱- الإختیار فی الفقه.
۲- فقه آسان، یوسف اصلاحی، ترجمهٔ بهاء الدین ضیائی
۳- الفقه الإسلامی وأدلته، وهبه الزحیلی
۴- فقه السنه،سید سابق

دکتر عبدالسمیع حامد

اشک وعشق

بد شد میانهء من ودنیا چه خوب شد
روییدم از روایت رؤیا چه خوب شد
مثل سکوت اول توفان فرامشم
در بادهای وحشی دریا، چه خوب شد
آمد خیال و خانهء خوابم خراب گشت
از بادهای تند تمنا، چه خوب شد
از شهر تب شکستم و در من شگوفه کرد
صبح وصفای سادهء صحرا چه خوب شد
در کوچه باغ های قدیمی اشک وعشق
دیروز گم شد امشب وفردا چه خوب شد

زمین تا آسمان

محمد صادق عیان

چه سان این لحظه های سرد را باید تحمل کرد
نمی دانم چقدر این درد را باید تحمل کرد
رسیدن تا حضور روشن خورشید آسان نیست
که زخم رشتهء شبگرد را باید تحمل کرد
اگر میل تماشای بهاری هست ای یاران
تمام فصل های زرد را باید تحمل کرد
ندارد این حوالی زمان، نام آوری، مردی
زمین تا آسمان نا مرد را باید تحمل کرد
برای فتح جنگل، پرچم افرازی آزادی
ستیزیهء ناورد را باید تحمل کرد

خاک می گوید

شبهاز ایرج

روزهای مرده در تابوت تقویم توام
ای فراموشی صدها ساله تقدیم توام
هیچ تصویری - که من دیدم به ابهام تو نیست-
من نمی دانم چرا مشغول ترسیم تو ام
سال دیگر می شود اما من ای گور بزرگ
سه صدو شصت و ششم خاموش از بیم تو ام
این زمین و آسمان چسپیده بر جان من اند
هر یکی با ادعای این که: من نیم تو ام
آسمان یاد آرد از انا الیه راجعون
خاک می گوید که من کان زرو سیم تو ام
نی زرم می باید ای دنیا و نی چیز دیگر
مرده ای در من کنون در فکر ترحیم تو ام
عاقبت یک روز هم نوبت به من خواهد رسید
لاجرم ای مرگ خاموشانه تسلیم تو ام

امیر هوشنگ ابتهاج

غم سبز چمن

با این غروب از غم سبز چمن بگو
اندوه سبزه های پریشان به من بگو
اندیشه های سوختهء ارغوان ببین
رمز خیال سوختگان بی سخن بگو
آن سد که سر به شانهء شمشاد می گذاشت
آغوش خاک و بی کسی نسترن بگو
شوق جوانه رفت زیاد درخت پیر
ای باد نوبهار زعهد کهن بگو
آن آب رفته باز نیاید بجوی خشک
با چشم تر، زتشنگی یاسمن بگو
از ساقیان بزم طربخانهء صبوح
باخامشان غمزدهء انجمن بگو
زان مژده گو که صد گل سوری به سینه داشت
وین موج خون که می زندش در دهن بگو
سرو شکسته نقش دل ما بر آب زد
این ماجرا به آینهء دل شکن بگو
آن سرخ وسبز، سایه! بنفش وکبود شد
سرو سیاه من! زغروب چمن بگو

محمد اکرم وفادار

داوښکو شمار

صبح شام حسابوم باران د اوښکو
بي حسابه دغمو کاروان داوښکو
توري سترګي مي اوس سپینه پاغونده شوي
لوند چي وینم دیتیم ګریوان په اوښکو
خدایه اوښکي مي جاري په لاره دروممم
ومي نه موند په دنیا درمان داوښکو
عاطفه پکي پیدا نه شوه لاخاندي
تماشه کړي ګل خوبان یاران داوښکو
چي غماز پکي شریك نه واي ناصحه
خفه نه وم په طوفان ارزان داوښکو
ددوزخ له دوره هغه نجات مومي
چي همدم شي په خشکاپ انسان داوښکو
نظر وکړه بي علاجه مي مرض دي
ریبار در وړ درته جام نشان د اوښکو
اوښکي شمار مه امیل ترې جوړومه
ورلیږمه وهغه ارمغان د اوښکو
"وفاداره" اوښکي پاکي کړه نور بس کړه
خوشحالیږي رقیبان مدام په اوښکو

عباد الله مستقیم

سوز عاشقانه

بیا به دیدهٔ که جای تو در میانه تهیست
زبان مطربیم بی تو از ترانه تهیست
به آشیانهٔ چشمم قدم گذار از لطف
اگر تو سر نزنی از در، آشیانه تهیست
چراغ روی ترا جاودانه می خواهم
اگر چه کلبه ام از نور جا ودانه تهیست

محبت است که در دل نیاز می کارد
ز اشک هجر که از وصل شادمانه تهیست
زبان خشم وغرور از فسون ابلیس است
مجوز سینهٔ کز کینهٔ زمانه تهیست
مگو زجام جم وهفت خوان رستم و کی
که لوح خاطرم عمریست زین فسانه تهیست
به خشم وشهوت خود آزمند می ماند
کسی که سینه اش از سوز عاشقانه تهیست

چرا نشر مسودهٔ قانون اساسی به تعویق افتاد؟

خواستهای جامعه وقعی گذاشته نشده است وقانون همچنان در دفاتر ریاست دولت سرگردان است وچنین نگاشته می شود که حقوقدانان وقانون دانان زبده ومتبحری شاید در آن جا چند وچون موضوع را حلاجی می کنند؟!

در مورد علت ویاعلت های این تأخیر از آقای عبدالغفور لیوال مسؤول مطبوعاتی کمیسیون تدوین قانون اساسی پرسیدم او گفت:

«قانون اساسی جدید افغانستان پس از مراحل تدوین وتسوید، تکمیل گردیده و به ریاست دولت برده شده است ودر آنجا بحث مشترک مقامات دولتی وکمیسیون تدوین وتسوید قانون اساسی بالای

کرزی نباید متکی به حمایت خارجی ها نظام مطابق میل خود را در قانون اساسی جاگزین نماید.

آن آغاز شده است.

مقامات ومسؤولان دولتی گفته اند که قانون اساسی تدوین شده. ایجاب یک سلسله تغییرات را می نماید، این تغیرات ولو جزیی، از لحاظ تخنیکی مدت زمانی را بکار دارد تا در قالب قانون اصلاح وبامعیار های حقوقی برابر شود، و سپس بازبان های دری وپشتو ترجمه گردد ودر متن قانون اساسی جدید افغانستان گنجانیده شود.

این ها عواملی هستند که باعث شدند تا نشر قانون اساسی جدید افغانستان در مطبوعات به تعویق افتد.»

از آقای لیوال پرسیدم که آیا دلیل دیگر عدم چاپ وانتشار قانون اساسی جدید، فشار آقای کرزی برای تحمیل آرا ونظریات خودش در قانون اساسی نیست، چنان که در متنی که در انترنت انتشار یافته است دیده می شود که صلاحیت های رئیس جمهور در این قانون اساسی بیش از حد است؟ آقای لیوال گفت:

آنچه در انترنت به نام مسودهٔ قانون اساسی افغانستان انتشار یافته است یک متن خیالی ووهمی است هیچ شباهتی به مسودهٔ قانون اساسی جدید افغانستان ندارد. متن مسودهٔ قبلی که چاپ شده بود شباهتی کوچک باقانون اساسی تسوید شده داشت ولی این متن انتشار یافته در انترنت کاملاً واهی وخیالی است.»

آقای لیوال افزود: «آن چه که ریاست دولت می خواهد مربوط به خود آنها است ودر مورد آن ماهیچ گونه اظهار نظری کرده نمی توانیم.»

از لیوال پرسیده شد که آیا ارگان باصلاحیتی است که باید در قانون اساسی جدید تغییرات لازم را بیاورد؟ اوگفت:

«کمیسیون قانون اساسی یک کمیسیون دولتی متشکل از متخصصان است که در تسوید وتدوین قانون اساسی نظریات شان شامل می باشد اما از چگونگی ابراز نظرنهایی در مورد مسودهٔ قانون اساسی جدید باید از آنها بپرسید.»

از لیوال پرسیدم در فرجام منتظران چه وقت می توانند مسودهٔ قانون اساسی جدید را دریابند؟

وی گفت: این مربوط به دولت است که چه وقت بحث روی قانون اساسی را به پایان می برد ولی ما امیدوار هستیم که در چند روز آینده وحتی بریک احتمال قوی روز پنجشنبه مسودهٔ قانون اساسی جدید اعلان شود.

از لیوال سوال شد که اگر کار نشر مسودهٔ قانون اساسی جدید هنوز هم به تعویق بیفتد آیا موجب سلب اعتماد مردم از دولت وکمیسیون نمی شود، وی در پاسخ گفت: پخش یک مسودهٔ ناقص بدتر از دست دادن اعتماد بعضی اشخاص است.

اما دکتر محی الدین مهدی یکی از شخصیت های فرهنگی وسیاسی کشور معتقد است که تعلل تعویق نشر قانون اساسی عمدی می باشد.

آقای مهدی می گوید: «کمیسیون تدوین وتسوید قانون اساسی جدید افغانستان یک کمیسیون مستقل وباصلاحیت نبوده است که بتواند قانون بسازد بلکه همیشه زیر فشار مقامات دولتی وحتی بعضی از حلقات خارجی بوده است.»

دکتور مهدی می افزاید: «چنین معلوم می شود که ریاست دولت قانون اساسی جدید را برای یک تیم خاصی می خواهد که دور وبرش قرار دارد نه برای مردم افغانستان، چنانچه آنها اصرار کردند ماده یی را که حاوی این نکته بوده که قوانین نافذه در کشور باید مطابق به شریعت اسلام باشد باید از قانون جدید حذف کنند.

موضوع به تعویق افتادن چاپ ونشر قانون اساسی ونقیصه های کاری آن را بامحترم عزیز الله واصفی که یک چهرهٔ شاخص دوران سلطنت وصریح اللهجه ترین آنهاست، نیز در میان گذاشتیم که موصوف گفت:

قانون اساسی به ملت ومردم تعلق دارد وفیصله در باب این که چه نظامی در افغانستان حاکم شود نیز به ملت تعلق دارد، اما جناب کرزی باسوء استفاده از اختیارات وصلاحیت های خود هم کار ترتیب مسوده را طولانی ساخت وهم حالا بنابرتمایلات شخصی خود از چاپ آن جلوگیری می کند.

نه دلیل نصاب شورا، نه دلیل حقوق بشر ونه هم نظر وپیشنهاد دیگری، هیچ کدام نباید باعث به تعویق انداختن چاپ مسودهٔ قانون می شد.

هرچه هست سوء استفاده است ومی توان گفت زیرپاکردن نظریات ومشوره های سودمند مردم افغانستان است.

نه کرزی ونه ظاهر شاه هیچ کدام این حق را ندارند که نظام مورد علاقهٔ خود را برملت تحمیل نمایند.

این حق مسلم مردم است که نوعیت نظام مورد قبول اکثریت را مشخص نمایند.

کرزی نباید متکی به حمایت خارجی ها نظام مطابق میل خود را در قانون اساسی جاگزین نماید، باید مردم فرصت وموقع داشته باشند تاهم مسودهٔ قانون را در فضای آزاد مطالعه کنند وهم نوع نظام دلخواه خود را بوجود بیاورند.

آقای واصفی در توضیح به این پرسش که چه نوع نظام را برای آیندهٔ افغانستان در نظر دارد؟ گفت:

مردم وجوانان می گویند که نظام شاهی یک نظام استبدادی است. این درست نیست در جهان مثال هایی وجود دارد که نظام های شاهی دموکراتیک توانسته است کارهای سالم وثمربخشی برای جوامع انجام دهد وبرعکس نظام های جمهوری یی بوده است که استبداد وخشونت آورده است. نظام جمهوری در کشورماهم یک نظام خشن بود وباخشونت عمل می کرد.

آقای واصفی تأکید کرد: اکثریت مردم طرفدار نظام شاهی مشروطه هستند و مردم از سلطنت، خاطرات خوشی دارند در آن شرایط ظلم واجحاف نبود، ومردم می توانستند آزادانه ابراز نظر کنند.

اما در این مورد که ایشان چگونه این اکثریت را می توانند به محاسبه گرفته و متکی به آن نتیجه گیری کنند که گویا رأی اکثریت چیست؟ دلیل واضحی بیان نکردند.

ونیز به این پرسش که چون هنوز انتخابات صورت نگرفته وزمینهٔ مشارکت مردم در یک امر بزرگ وانتخابی پیش نیامده است تارأی اکثریت معلوم شده باشد، پس چگونه می توان گفت که اکثریت، سلطنت طلب هستند؟ یاجمهوری طلب؟ توضیحی نداشت وفقط باتکرار تأکید کرد که مردم اکثریت شان خواهان سلطنت هستند.

وگفت: این موضوع را از بوسیدن دست محمد ظاهر پادشاه سابق می توان فهمید که اعضای حکومت انجام می دهند.

من مخالف استبداد وخشونت هستم. خواه در چوکات سلطنت استبدادی باشد یا در نظام جمهوری، در هر صورت استبداد محکوم است.

آقای واصفی در پاسخ به پرسشی دیگر گفت:

مادر اجلاس بن بااکثریت آرا فیصله کردیم که آقای سیرت در راس ادارهٔ انتقالی قرار بگیرد. اما آقایان مدعی دموکراسی گفتند: نه خیر یک فرد متعلق به ملیت ازبیک نباید در رأس دولت قرار بگیرد.

آنها باحمایت آمریکایی ها یک شخصیت ضعیف وبی نفوذ در میان جامعه را به این سمت برگزیدند.

ومادیدیم که شخصیت ضعیف چگونه حکومت می کند. بادریغ وافسوس باید بگویم: بهترین فرصت وبهترین امکانات در اثر این سیاست بازی ها از دست رفت بنابرآن نتایج کنفرانس بن که یک اجلاس خیلی ها مهم وسرنوشت ساز بود تاحدود زیادی تلف گردید.

من به امریکایی ها گفتم ومشوره دادم که به نظریات مردم افغانستان بی اعتنا نباشند، اما متأسفانه کم شنیده شد.

آمریکایی ها باید بدانند که افغانستان کشوری نیست که باآزادی واستقلال خود پشت پابزنند. مردم ما غریب باقی خواهند ماند، اما دخالت در امور خود را قبول نخواهند کرد.

من بسیار متأسف ومتأثر هستم که دخالت در امور کشور ما این گونه ادامه می یابد.

آقای واصفی در بارهٔ این که در متن قانون اساسی دستورهای دین مبین اسلام برجسته باشد یافرامین حقوق بشر؟ گفت: ماحقوق بشر را فقط در محدودهٔ ارزشهای ملی وفرهنگی خود قبول داریم. مواردی در حقوق بشر درج است که برای یک مسلمان به هیچ صورتی قابل قبول بوده نمی تواند.

من نمی دانم چگونه این مسائل را برخی مردم به سادگی

نه کرزی ونه ظاهر شاه هیچ کدام این حق را ندارند که نظام مورد علاقهٔ خود را برملت تحمیل نمایند.

نادیده می گیرند.

آیابرهنه شدن یک زن در برابر چشم مردان تماشاگر، برای یک مسلمان قابل قبول خواهد بود. حالا هرنامی که به آن می گذارید، بگذارید، مسابقهٔ زیبایی اندام، یامسابقهٔ پهلوانی!؟

آقای واصفی در مورد مداخله های دولت در امور قانون سازی هشدار داد وگفت:

خیانت به ملت است این که در امور بسیار مهم، دولت در غیاب ملت، دخالت می نماید وخود را قیم وهمه کارهٔ ملت جا می زند.

آنهایی هم که از این روند مداخله گرانه حمایت می کنند، یک حرکت ضد دموکراسی را عمل می کنند ودر حقیقت شرایط را برای شکل گیری استبداد آماده می نمایند.

آقای واصفی در پایان صحبت ها در حالی که سخت اندوهگین می نمود گفت: من آینده را تاریک می بینم واز بارگاه خداوند لایزال می خواهم به این ملت رحم کند، تاافغانستان یک بار دیگر به کام جنگ های داخلی کشانده نشود. من از این بابت سخت می ترسم!

آمریکایی ها تاحال نتوانسته اند ملاعمر را بکشند، آنها نتوانسته اند بن لادن یاحکمتیار را بکشند، در حالی که هر لحظه وضعیت رو به وخامت می رود.

نه دلیل نصاب شورا، نه دلیل حقوق بشر ونه هم نظر وپیشنهاد دیگری، هیچ کدام نباید باعث به تعویق انداختن چاپ مسودهٔ قانون می شد.

اعتذار

به تراکم مطالب قسمت چهارم "تاریخ معاصر افغانستان در یادداشت های وزیر دربار شاه ایران" از نشر باز ماند، امید معذرت مارا بپذیرید.

قانون اساسی در هاله ...

به تأخیر افگندن نشر مسودهٔ قانون اساسی به نوبهٔ خود به دلهره ها افزود ونشان داد که دولت در نظر دارد تافرصت بسیار اندکی را جهت نظردهی در اختیار مردم قرار دهد.

گفته می شود که مقامات بلند دولت تصمیم گرفته اند که فقط یک هفته قبل ازتدویر شورای بزرگ تصویب قانون اساسی، مسوده را به نشر بسپارند که این اقدام به معنای کم بها دادن به نظریات مردم تلقی شده می تواند.

هم اکنون مسودهٔ نشر ناشدهٔ قانون اساسی درهاله یی از اضطراب وتشویش مردم قرار دارد؛ شایعات زیادی در مورد بروز اختلافات درمیان رده های بلند دولت موجود است وحتی گفته می شود که هدف اصلی در تعطیل برخی از مؤسسات تحصیلی نیز جلوگیری از تظاهرات وواکنش های جمعی در برابر مسودهٔ قانون اساسی بوده است.

کمیسیون تدقیق قانون اساسی باوجودی که از پشتوانهٔ مالی کافی برای تبلیغات بهرمند است تا هنوز نتوانسته است که به سوالات موجود پاسخ ارایه دهد.

پنجاه نمایندهٔ انتصابی که در شورای بزرگ تصویب قانون به اساس فرمان رئیس دولت شامل می گردند به نوبهٔ خود برتشویش مردم افزوده است. ناظران عقیده دارند که چون رئیس دولت به عنوان یک کاندیدا در انتخابات بعدی مطرح است، بناءً باید از حق مساوی باسایر کاندیدا ها برخوردار باشد نه بیشتر از آن. تعیین اعضای کمیسیون انتخابات سرتاسری، توشیح طرز العمل انتخابات وانتصاب ۵۰ نماینده در شورای تصویب قانون اساسی، امتیازاتی است که رئیس دولت را از سایر کاندیدا ها متمایز ساخته وهم چنان اصل دموکراتیک بودن شورای تصویب قانون اساسی وانتخابات بعدی را زیر سوال می برد.

با آن که در آغاز تسوید قانون، وعده سپرده شده بود که متن مسوده توسط کمیتهٔ تسوید قانون اساسی به نظر خواهی گذاشته می شود، اما حالا که مدت ها از ختم کار کمیسیون تدقیق نیز سپری می گردد، قانون اساسی در میان اختلافات سلیقه یی ومنافع سیاسی برخی نهادها پنهان مانده است.

طبق آخرین اطلاعات رئیس دولت، شورای عالی امنیت، اعضای کابینه، قاضی القضات، اعضای کمیسیون تدقیق قانون اساسی وحتی دفاتر سخنگویان مقامات دولت، برمبنای سلیقه های خود نسخه هایی از مسوده را تحت غور وبررسی گرفته اند ومردم افغانستان که سرنوشت شان ارتباط مستقیم با مواد این قانون دارد به عنوان "نامحرم" از این "راز" به دور نگه داشته شده اند.

دروژی دمیاشتی فضیلت

موحد احمدزي

دسلمان فارسي رضي الله عنه څخه روايت دي چه حضرت محمد صلي الله عليه وسلم دشعبان دمياشتي په آخره کښي دغه خطبه مونږ ته بيان کړه چه اي خلکو يوه لويه مياشت په تاسي راتلونکي ده چه دغه مياشت ډيره عظيمه اومبارکه ده په دغي مياشت کښي يوه شپه ده چه دزرو مياشتو سره برابره ده. الله تعالي په دغه مياشت کښي روژه نيول فرض کړي ده او دشپي قيام يي نفل ګرځولي څوك چه په دغه مياشت کښي نفلي عبادت وکړي دنورو وختونو دفرض سره برابر دي اوکه څوك دي مياشت کښي يو فرض په ځاي کړي نو هغه ته د اويا فرضو ثواب ورکول کيږي. دروژي مياشت دصبر او زغم مياشت ده او دصبر مکافات جنت دي. دروژي مياشت دزړه سوي مياشت ده په دي مياشت کښي مؤمن روزي زياتيږي که څوك يوه روژتي ته روژه ماتي ورکړي ګناهونه يي ببښل کيږي او د دوزخ اور څخه به نجات پيدا کړي. طعام ورکونکي ته دطعام خوړونکي دروژي په اندازه ثواب هم ورکول کيږي يي له دي چه د طعام خوړونکي له اجر څخه څه کم شي. سلمان فارسي رضي الله عنه وايي مونږ وپوښتل چه اي دخداي رسوله مونږ اکثر ددغه کار وس نلرو. حضرت محمد صلي الله عليه وسلم ځواب را کړو چه دغه ثواب الله تعالي هغه چا ته ورکوي چه هغه يو روژتي ته د روژه ماتي په وخت يو غړپ شيدي يا يوه دانه خرما يا يو غړپ اوبه ورکړي او که څوك يو روژتي موړ کړي پاك خداي جل جلاله به دي دکوثر له حوض څخه سيراب کړي چه بيا به هيڅکله نه تږي کيږي ترڅو چه جنت ته داخل شي.

درمضان دمياشتي لومړي برخه دمومنانو لپاره درحمت او منځني برخه يي دمغفرت او وروستي برخه يي ددوزخ له اور څخه دنجات وسيله ده، څوك چه په دغه مياشت کښي ترلاس لاندي خلکو ته تکليف ورنه کړي او په سختو کارويي مجبور نکړي الله تعالي به دي وبښي او ددوزخ له اوره به نجات ورکړي.

دپورتني مبارك حديث څخه دا واضح کيږي چه درمضان مياشت مبارکه او بختوره مياشت ده ځکه چه رسول الله صلي الله عليه وسلم ددي مياشتي اهميت ديوي خطبي په ترځ کښي خلکو ته بيان کړي او خلك يي دقدر شپي ته چه دزرو مياشتو سره برابره ده متوجه کړي، د ابوهريره رضي الله عنه څخه روايت دي چه رسول الله صلي الله عليه وسلم فرمايلي: کله چه درمضان دمياشتي لومړي شپه شي نو شيطانان او سرکشه پيريان بندکړل شي او ددوزخ ټولي دروازي وتړل شي او يوه دروازه يي هم نه پرانستل کيږي او دجنتونو دروازي خلاصيږي چه يوه دروازه يي هم بنده نه پاتي کيږي او آواز به کوي يو آواز کوونکي چه اي دخير غوښتونکيه رامخکي شه او اي دشر غوښتونکيه شر پريږده يعني "توره ګناه مه کوه" چه دالله بي شميره بندګان داورڅخه پدي مياشت کي نجات مومي، نو اي دخير غوښتونکيه را مخکي شه ستا ټول عبادات او دعاګاني قبليږي هرڅه چه غواړي درکول کيږي او دا ډير ښه فرصت او دګټي وخت دي بيدار سه نور هم کوښښ وکړه چه دالله تعالي دفيض او برکت، مغفرت او ښښني بحر په څپو پيل کړي او د الله تعالي درحمت ټولي دروازي دخپلو مومنو بندګانو په مخ خلاصي دي او دقهر او غضب ټولي دروازي بندي او تړلي شوي نو له ګناه څخه لاس واخله دفيض او برکت مياشت درباندي راغلي ده ددي مياشتي له برکاتو څخه ګټه پورته کړه دبندګي او اطاعت لاره غوره کړه ترڅو دالله تعالي درحمت او مغفرت نه محروم نه شي.

ومن الله التوفيق

سیاست ایران در افغانستان تقویت دولت مرکزی ...

و خاصتاً در شرایط کنونی تقویت دولت مرکزی وروند دولت سازی در افغانستان است، ما همگان را به پیوستن به دولت مرکزی تشویق و ترغیب می کنیم وهر پدیده یی به همگرایی در دولت مرکزی کمک کند مورد حمایت ماست.

سپس مجال سخن برای ژورنالیستان داده شد آنان ضمن خیر مقدم گفتن به آقای بهرامی سفیر نوین ایران در افغانستان چیز هایی را دربارهٔ سیاست پیشین و آیندهٔ جمهوری اسلامی ایران در قبال افغانستان مطرح کردند در بیشتر سخنان آنان نوعی از انتقاد بر سیاستهای پیشین ایران دربارهٔ افغانستان دیده می شد، اما باید اذعان کرد که متأسفانه برخی از آنها ادب و ادبیات مجلس و پرسش و پاسخ را نیز مرعی نمی داشتند.

پرتو نادری در بارهٔ اثر گذاری روند کار فرهنگی در ایران بر کار فرهنگی در افغانستان اشاراتی کرد و گفت گذشته از آن که ما از آثار دانشمندان و ادیبان ایرانی زیاد استفاده کرده ایم بیشتر ینه آشنایی افغانستانیان با تاریخ و ادبیات و فلسفهٔ نوین اروپا از راه ترجمه های ایرانیان صورت پذیرفته است و این روند تماس نزدیک، بیشتر باز می گردد به سال های دههٔ پنجاه خورشیدی و این رابطه درطی سه دههٔ اخیر بسیار کم رنگ شده است . اطلاعات ما در بارهٔ ادبیات و فرهنگ ایران هم بیشتر به شخصیت همان زمان مربوط می شود واگر اکنون بخواهیم چند نفر از سر آمدان عرصه های شعر و ادبیات ایران در این زمان رانام ببریم به مشکل مواجه می گردیم.

واقف حکیمی گفت: تا هنوز اطلاعات ایرانیان با وجود بیست سال تماس بسیار نزدیک مردم افغانستان با آنان در اثر تحولات و مهاجرت های ناشی از آن در بارهٔ افغانستان واوضاع و احوال این کشور بسیار محدود است. به گونهٔ مثال من که همین روز ها سفری به ایران داشتم وقتی به فارسی صحبت می کردم، حتی در برخی از کتابفروشی ها و کانون های نشر از من پرسیدند که چه خوب فارسی صحبت می کنی، چند سالی است که توی تهران زندگی می کنی؟ گمان می کردند که تنها در ایران فارسی صحبت می کنند و بس. با امکانات وتوجهی ایران که به امور فرهنگ دارد کاری وبرنامه یی ندارد که فارسی گویان غیر ایرانی هم خودشان را در آن بیابند و این وسیله یی باشد برای تعارف مستمر در میان شان، چنان که به گونهٔ مثال همه کانال های تلویزیونی عربی از هر کجا یی که برنامه پخش می کنند بیشتر عربی شمول است تا متعلق به کشوری ویژه بودن.

یکی از حاضران که پس ازسالیان مهاجرت، تازه از ایران آمده بود این گفته های پرتو نادری و واقف حکیمی را نپسندید و شروع به شماریدن مواردی کرد که ایرانیان به گونه یی گسترده با فرهنگ ومردم و اوضاع افغانستان آشنایی دارند که هی ازچاپ کتاب وانجمنهای شعرا ونویسندگان و ... دلیل آورد.

آقای فاضل سنچارکی مدیر مسؤول هفته نامهٔ اقتدار ملی در بارهٔ حضور آمریکا در افغانستان وبازتاب آن در سیاست ایران در قبال افغانستان پرسید. آقای سیامک مدیر مسؤول انیس از سیاست های ایران در بارهٔ افغانستان در گذشته و حال انتقاد کرد و گفت: ایران همیشه در افغانستان از گروه ها و سازمانهایی ویژه حمایت کرده است به گونه مشخص از شیعه و هزاره ها حمایت کرده است نه ازهمهٔ مردم افغانستان به طور مثال کمیتهٔ امداد امام خمینی تنها به شیعه ها و هزاره ها کمک می کند و تنها در منطقهٔ غرب کابل (چهار دهی) و بامیان دفتر دارد.

آقای بهرامی در اخیر به گونهٔ مجموعی به این پرسش ها پاسخ داد. او ضمن تأکید برسخنان پیشین خود گفت: امنیت واستقرار اوضاع در افغانستان به نفع جمهوری اسلامی ایران است و ما از دولت افغانستان حمایت می کنیم وحتی ما برای خود مان هم شده است از امنیت وثبات در افغانستان پشتیبانی می کنیم،ما تعدادی بلند از معتادان راداریم و منبع مهم مواد مخدری که به ایران می آید افغانستان است ما برای مبارزه با مواد مخدر هم طرفدار امنیت و آرامش در افغانستان هستیم. وی افزود:- شاید در اشارت به حضور امریکا در افغانستان :- ما نمی خواهیم درافغانستان با هیچ کشوری رقابت کنیم ما به سود خود می دانیم تا در بازسازی و امنیت افغانستان تلاش کنیم واین کار را به هیچ کشوری بسته ندانیم و ما هیچ سیاست گزینشی در داخل دولت افغانستان نداریم و همه برنامه های خود را با دولت مرکزی هماهنگ می سازیم و خارج از آن چه، دولت انتقالی اسلامی افغانستان می خواهد کاری انجام نمی دهیم . آقای بهرامی افزود که همه کارهای ما در این چهارچوب دولتی صورت می گیرد وکارهای دولت محدودیتهای خودش را دارد اما بخشهای خصوصی به بسیار راحتی می توانند به بسیار گشادگی در زمینه های گونه گون فرهنگی و تجارتی و .. میان دو کشور فعالیت کنند.

تغیرات اداری در ولایت ...

حاضر نشد با علی احمد جلالی وزیر داخله ملاقات نماید. بناءً وزیر داخله در عین حالی که نماینده، با صلاحیت رئیس دولت و عضو شورای امنیت ملی است مجبور می شود تا به کوچه، سیاه گرد، مقر جنرال دوستم برود و تاییدی این تغییرات را از وی بگیرد.

اگرچه نا آرامی ها از ولایت سرپل، جوزجان و فاریاب آغاز گردیده و به ولایت بلخ رسیده است ولی این تغییرات تنها منحصر به ولایت بلخ شده است.

همکاری های کشور فرانسه در باز سازی ...

متخصصان فرانسوی مشغول تعلیمات صاحب منصبان و عساکر قول اردوی مرکزی کابل می باشند. در هر نوبت بین ۴۵ تا ۵۰ نفرصاحب منصب ومعاون صاحب منصب در طول دوازده هفته آموزش می بینند. این آموزش ها تنها آموزش نظامی نبوده و در کنار آن سعی در این است که صاحب منصبان به نقش خود در یک جامعهء دموکراتیک به خوبی واقف گردند. این آموزش ها تا جنوری ۲۰۰۴ میلادی ادامه خواهد یافت و بعد از آن کشور فرانسه یک آموزشگاه به سویهء ارکان حرب اساس خواهد نهاد تا ستاژیرانی که شاید عده یی از آنان در آینده در همین آموزشگاه به حیث استاد ایفای وظیفه نمایند در آن جا آموزش ببینند.

برنامه های آموزشی کشور فرانسه برای اردوی افغانستان بر بنیاد آخرین پیشرفت ها در فن حرب بوده است و هدف از آن آماده ساختن اردوی کشور ما برای آمادگی کامل رزمی می باشد.

فرانسه همچنان در چهارچوب وزارت دفاع افغانستان کورسهای آموزش زبان فرانسه را مهیا ساخته است با این کار تا هنوز زمینه این را فراهم آورده است که به تعداد ۶۰ نفر افسر را جهت فراگیری آموزش عالی به فرانسه بفرستد که از جملهٔ ایشان ۱۲ تن در بخش تلفن و مخابرات تربیت می شوند . آنان پس از بازگشت به کشور در ریاست ارکان حرب به تربیت افسران افغانستان می پردازند. در ماه دسامبر یک دورهٔ دیگر از این قبیل کورسهای زبان دایر خواهد شد.

در حین بازدید از مرکز تعلیمی اردوی ملی در پلچرخی در بخش مربوط به فرانسویان پس از دیدار از جریان تطبیقات عملی و کلاس های درسی مسوول آنان گفت: در این جا تربیت اعضای اردوی ملی افغانستان را به کشور به دوش دارد، فرانسه افسران کندک ها را و انگلستان خورد ضابطان آنها را و امریکا سربازان کندکها را تربیت می کنند. و او در ضمن گفت که ما به شیوهٔ ارتش فرانسه اردوی ملی افغانستان را آموزش می دهیم. یکی از حاضران ژورنالیست پرسید: پس ما در آینده اردویی خواهیم داشت که افسران آن به شیوه یی و خورد ضابطان و سربازان آن به شیوه ها یی دیگر تربیت خواهند شد .

در بخش بازسازی زراعت

کشور فرانسه در بخش زراعت و بازسازی نیز به کمک مردم افغانستان آمده است. طوری که می دانیم کشت و زرع کوکنار در افغانستان یکی از موارد مهم نگرانی اروپا در مورد افغانستان است. شاید یکی از دلایلی که کشور فرانسه آرزومند است تا بخش زراعت در افغانستان را تقویت کند و محصولات با تولید بیشتر را در افغانستان ترویج ببخشد همین موضوع باشد.

کشور فرانسه مقدار ۲۰۰۰ تن تخم اصلاح شدهء گندم و جو را در بهار ۲۰۰۲ برای کشت بهاری به افغانستان فرستاد اما نتیجهء دلخواه از آن به دست نیامد. در خزان همین سال بجای وارد نمودن تخم های جدید اصلاح شده، ۹۵۰۰ تن آرد وارد کرد که در جریان زمستان به فروش رسانیده شد و با پول بدست آمده از آن در سایر بخش های مربوط به زراعت از جمله بهبود بخشیدن نسل گاوها و تربیت نهال های مثمر کارهایی صورت گرفت. و نیز انواع جدیدی از گندم در کشور، مورد آزمایش قرار داده شد. در نتیجهء این آزمایش ها انواع گندمی که می تواند در شرایط آب و هوای کشور ما حاصل خوب بدهد سه نوع شناسایی گردید. با در نظر داشت نتایج مثبت این آزمایش ها، به مقدار ۱۵۰۰ تن گندم برای دورهء خزانی ۲۰۰۳ به افغانستان وارد و به بعضی از ولایات کشور ارسال گردیده است.

از نظر کشور فرانسه در بخش زراعت باید اقداماتی روی دست گرفته شود تا از یکطرف موجب تقویت بنیهء مالی دهقانان افغانستان گردد و از جانب دیگر امکانات انتقال تکنولوژی و ایجاد مجدد توانایی های مسلکی در افغانها را در سطح بالا فراهم آورد. در این رابطه غرض تربیت و آموزش کادر های افغانستان ، بورس های تحصیلی در اختیار دولت افغانستان نهاده خواهد شد.

در بخش آموزش های آکادمیک ومعارف

همکاری با انستیتوت طب شامل قرارداد همکاریی می شود که بین پوهنتون کلودبرنر شهر لیون، شفاخانهء ملکی لیون و انستیتوت طب کابل به تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۲ به امضا رسیده است که به همکاری های تاریخی در این زمینه میان کابل و لیون رابطه دارد.

در این رابطه کشور فرانسه به افغانستان در بخش های طب، فارمسی، بازسازی بانک های خون در کشور، همکاری های شفاخانه یی و سایر مسایل مربوط به این بخش یاری می رساند.

باید کشور های جهان افغانستان را کمک کنند اما باید مردم افغانستان خودشان کشور شان را بسازند .

لازم به یادآوری است که گذشته از کمک در بخش هایی که مستقیماً با مسائل بهداشتی رابطه دارد، یک بخش بسیار مهم چگونگی مدیریت شفاخانه هاست که متأسفانه از سالهای دور به این سو به آن توجهی نشده و بیماران همیشه از نبود نظم در شفاخانه ها و نبودن توجه به حال آنان شاکی بوده اند. کشور فرانسه در این بخش نیز با اعزام متخصصان سعی در آموزش دکتوران افغان دارد.

در بخش تحصیلات عالی همکاری فرانسه با تجهیز دپارتمنت زبان و ادبیات فرانسه در فاکولتهٔ ادبیات آغاز شد

و برای دپارتمنت های دری و پشتو نیز امکانات فراهم آوردند پروفیسور ستفون استاد دانشگاه دنیتل فرانسه قراردادی را با پوهنتون کابل امضا کرده است که به موجب آن استادان فارسی و بشتو فرانسه بیایند و در فاکولته ادبیات دانشگاه کابل آموزش ببینند و نیز قرار دادی بین فاکولتهٔ ژورنالیسم دانشگاه کابل و فاکولتهٔ ژورنالیسم دانشگاه پنتیل عقد گردیده است که بر پایهٔ آن قرار است ستاژهایی انجام شود، و همچنان در زمینهٔ همکاری با فاکولتهٔ حقوق و علوم سیاسی نیز اقداماتی صورت گرفته است.

اما در زمینهٔ معارف افغانستان،تا کنون فرانسه با لیسه های استقلال و ملالی همکاری کرده و در بازسازی و تجهیز آنها سهم گرفته است ولی کمک آن به این دو لیسه منحصر نمانده بیست مؤسسهٔ تعلیمی دیگر را در سراسر افغانستان نیزدربرمی گیرد و با در خواست وزارت معارف در بخش ساینس و ریاضیات آن وزارت را یاری می دهد.

در بخش بازسازی میراث های فرهنگی

در این بخش همکاریهای کشور فرانسه با افغانستان سابقهء بسیار طولانی دارد. براساس قرارداد سال ۱۹۲۲ میان افغانستان و فرانسه، متخصصان فرانسوی نه تنها در حفریات برای کشف آثار تاریخی در افغانستان سهم عمده داشتند، بلکه در آموزش متخصصان افغانستان در این رشته کمک های قابل ذکری نموده اند. بخش بزرگی از آثار موزیم ملی ما که قبل از تخریب، به دست آمده از کاوش های متخصصان فرانسوی بود.

امروز متخصصان فرانسوی درکار بازسازی موزیم کابل فعال بوده و تعدادی از آثار تخریب شده به وسیلهء طالبان را مجددا باز سازی نموده اند. وکارشان در این زمینه هنوز ادامه دارد.

گذشته از این پیشینهٔ تاریخی رابطهٔ افغانستان و فرانسه در زمینهٔباستان شناسی و علاقه مندی کشور فرانسه به مسائل فرهنگی و آثار تاریخی نسبت به کشور های دیگر، شاید در توجهات شخص سفیر کنونی فرانسه در افغانستان نیز بی اثر نباشد. چون چنان که هویداست او بسیار به روانی پارسی صحبت می کند وبه خوبی عربی می گوید هر چند او زبان عربی را دشوار توصیف کرد او دورهٔ کارشناسی ارشد (ماستری) تحصیلات خود را در دانشگاه ازهر در رشتهٔ تاریخ و تمدن اسلامی سپری کرده است وچنان که از سخنانش در پیرامون برخی از آثار در موزیم ملی بر می آمد به آثار تاریخی این حوزهٔ تمدنی علاقه مندی توأم با آگاهی دارد او در بارهٔ دیگ سنگین که در داخل موزیم قرار دارد می گفت: من به عنوان یک کارشناس تمدن و فرهنگ اسلامی می گویم: این اثر یکی از ۱۲ بهترین اثر هنر اسلامی از مراکش تا کاشغر است"

بخش دیگری از کار کشور فرانسه در بخش بازسازی میراث های تاریخی کشور ما بازسازی باغ زنانه در کابل است که از باغ ها و بنا های تاریخی افغانستان بود ودر اثر جنگها به شدت صدمه دیده و تخریب شده بود.

این باغ که در گذشته ها مرکز گردهمایی و تفریح زنان بود، اکنون قرار است به مرکزی برای فراگیری سواد، زبانهای خارجی، آموزش کمپیوتر و تکنولوژی مبدل گردد بدون این که جنبهء تفریحی آن به عنوان یک گردشگاه برای زنان نظر انداز گردیده باشد.

کشور فرانسه در این پروژه ۲۲۷۰۰۰ یورو کمک در نظر داشت که بعداً کشور آلمان به آن ۶۵۰۰۰ یورو و اتحادیهء اروپا ۱۲۰۰۰۰ یورو اضافه کردند. با ختم کار این پروژه، زنان شهر کابل به داشتن یک مرکز بسیار مدرن تفریحی و آموزشی موفق خواهند شد که در عین حال از گذشتهء تاریخی نیز برخوردار است.

در بخش بازسازی زیر ساخت اقتصاد افغانستان

اما کشور فرانسه تا هنوز در زمینهٔ زیر ساخت اقتصاد افغانستان سرمایه گذاری بزرگ نموده است تنها از جملهٔ این پروژهٔ کلان، ساخت و اسفالت جادهٔ جلال آباد - کابل است که انجام آن را اتحادیهٔ اروپا به دوش دارد که کار آن امسال به انمام خواهد رسید و طبعاً فرانسه در آن شرکت دارد.

بازسازی افغانستان به برنامه یی مانند پلان مارشال در اروپا نیاز دارد سفیر فرانسه گفت که باید کشور های جهان افغانستان را کمک کنند اما باید مردم افغانستان خودشان کشور شان را بسازند . با ساختن مغازه های لوکس و وارد کردن اشیایی لوکس اقتصاد افغانستان ساخته نمی شود.

او گفت بایددر بارهٔ صنایع افغانستان

خدا کند این پولهایی که به بهای آبروی مردم افغانستان می آید در جهت منافع آنان به کار بسته شود.

سرمایه گذاری صورت بگیرد. این کار دوچیز بار می آورد: زمینهٔ شغل و پول، و این تجربه یی است که آن را من از سی کشور فقیر آموخته ام.

دولت بخش صنایع را باید تشویق کند و حد اقل برای مدت ده سال بخش صنعت و زراعت رااز پرداخت مالیات معاف بدارد. اکنون افغانستان ۲۰ فیصد بودجهٔ خود را نمی تواند تأمین کند برای این کار باید مالیات پرداخته شود و برای مالیات باید در امد وجود داشته باشد برای توسعهٔ صنعت و زراعت باید سرمایه داران افغانستان پول های شان را از دبی وخلیج به افغانستان بیاورند، مردم افغانستان از فقیر ترین مردم دنیا و سرمایه داران آن از ثروتمند ترین ثروتمندان آن هستند. اقتصاد افغانستان جز از این راه رشد نخواهد کرد.

درسی از بازسازی فرانسه

می دانیم که بسیاری از کشورهای اروپا از جمله کشور فرانسه در طی جنگ دوم جهانی و یران شده بودند، در بازسازی اروپا از برنامه یی استفاده شد به نام پلان مارشال. این پلان به کمک آمریکا صورت پذیرفت و ده سال دوام کرد سفیر فرانسه گفت: فرانسه برای بازسازی زیر ساخت رفقایش پس از جنگ دوم جهانی به ده سال نیاز داشت و ما را در این ده سال آمریکا کمک کرد اما بعداً فرانسه سر پای خودش ایستاد. او گفت: شاید برای بازسازی افغانستان هم، یک چنین وقتی نیاز باشد.

اما باید که کیفیت و کمیت کمکهای آمریکا به اروپا از جمله فرانسه در برنامهٔ مارشال و کمک های جهان به افغانستان پس از جنگ، بسیار متفاوت است .

اکنون که دو سال از آن رفته است و مقدار نیمی از کمک های وعده داده شده برای بازسازی آن به مصرف رسیده است اثری چندان ملموس از تحول در افغانستان دیده نمی شود .حتی بسیاری از جاده های پایتخت آن شهر کابل ترمیم نگردیده است . چه برسد به زیر ساخت اقتصاد آن. فکر می کنم در این باره سخنی از سفیر که بار بار آن را در خلال سخنانش تکرار می کرد بسیار با اهمیت و قابل توجه باشد. و آن این که او می گفت: " این پولی را که فرانسه و کمیتهٔ اروپایی در بازسازی افغانستان می پردازد از مهتاب نمی آید"

شاید این از مهتاب نیامدن اصطلاحی باشد در زبان فرانسه مشابه به اصطلاحی که مادر فارسی داریم که می گوییم این یا آن چیز از آسمان نمی ریزد وقتی بخواهیم بگوییم آن چیز به آسانی و رایگان به دست نمی آید. راستی او می درست می گوید این پول از مالیات مردم فرانسه و مردم اروپا تأمین می شود، ضمن این که ما از ایشان سپاس می کنیم باید بدانیم که در این معامله دست ما دست زیرین است و دست آنان دست برتر، دستی که پیامبر مان آن را ستوده و زیرینش را نکوهیده است.

خدا کند این پولهایی که به بهای آبروی مردم افغانستان می آید در جهت منافع آنان به کار بسته شود نه این که در جیب هایی و اریز گردد هر چندسفیر فرانسه گفت که همکاری ما در افغانستان ریختن پول در جیب ها نیست، ما با کشور های آفریقا این کار را کردیم اما در طی سی سال نتیجه یی به دست نیاوردیم. اما برخی از کشور های دیگر اروپایی از جمله هالند این کار را در افغانستان می کنند که در خزانهٔ دولت پول واریز می نمایند.

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال دوم شماره اول چهارشنبه ۷ عقرب ۱۳۸۲ ۳ رمضان المبارک ۱٤۲٤ - 29 October 2003

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد .

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قران قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

آقای بهرامی سفیر جدید جمهوری اسلامی ایران در افغانستان:

سیاست ایران در افغانستان تقویت دولت مرکزی و حمایت از روند دولت سازی است

روز پنجشنبه گذشته اول عقرب، سفارت جمهوری اسلامی ایران در کابل شماری از ژورنالیستان و نویسندگان مطبوعات افغانستان را جهت معرفت و آشنایی با سفیر فوق العاده ونمایندهٔ تام الاختیار آن کشور در افغانستان آقای محمد رضا بهرامی وآغاز کار ایشان به ضیافت ناهاری دعوت کرده بود.

در این ضیافت گروهی از مطبوعاتیان حضور یافته بودند که نمایندهٔمجاهد نیز از شمار آنان بود. آقای بهرامی ضمن خوش آمد گفتن به میهمانان و تعارف و آشنایی، سخنانی در بارهٔ سیاست و روابط کشور جمهوری اسلامی ایران با دولت انتقالی اسلامی افغانستان بیان داشت.

آقای بهرامی در سخنان آغازین خود از روابط دیرینهٔ دولتین ایران و افغانستان و ویژگیها و مشترکات فرهنگی و تاریخی و تمدنی دو کشور یاد کرد و ضمن ابراز حمایت از

مصطفی شهری

تحول کنونی د ر افغانستان و سودمند خواندن آن برای جمهوری اسلامی ایران، برحمایت و پشتیبانی دولت جمهوری اسلامی ایران از دولت انتقالی اسلامی افغانستان تأکید ورزید و به عنوان مثال از کمک ۵۵۰ میلیون دلاری کشورش به برنامهٔ بازسازی افغانستان در راستای این حمایت، یاد کرد. همچنان از حمایت ملیت ایران از مردم افغانستان در دوران اشغال اتحاد شوروی پیشین و نیز از دولت اسلامی افغانستان در دوران حاکمیت طالبان گفت، و ابراز داشت که سیاست ایران همیشه حمایت از دولت مرکزی افغانستان بوده است صرف نظر از این که در رهبری این دولت چه کسانی وچه گروه هایی قرارداشته اند؛ چون این بسته به مردم افغانستان می باشد، و کار ما در همه احوال ص٦

انستیتوت دموکراتیک ملی

دفتر جدیدش را گشود

روز شنبه ۳ عقرب انستیتوت دموکراتیک ملی در امور بین المللی که یک موسسهٔ آمریکایی است و در سطح جهان در زمینهٔ پخش ونشر تعالیم و ارزشهای دموکراسی فعالیت می کند دفتر جدیدش را در کابل گشود وبدین مناسبت محفلی را از ساعت ۲ تا ۴:۳۰ بعد از ظهر درآن دفتر در وزیر اکبرخان دایر کرد.

در این محفل شماری از رهبران و فعالان سیاسی و ژرنالیستان شرکت ورزیده بودند که در میان آنان کسانی از هر نحله و ملت دیده می شد حتی کسانی را می شد دید که دیروز به آشکارا طرفدار نظام دکتاتوری بودند هر چند امروز به دهن پارگی از دموکراسی وضرورت آن برای جامعهٔ افغانستان سخن می گویند.

این مؤسسهٔ به بسیاری از محافل و نهادهایی که به نام دموکراسی کار می کنند کمک کرده است اما تاهنوز- در حد آگاهی ما - یک بحث جدی را در پیرامون دموکراسی درجامعهٔ افغانستان و راه کار های آن راه نینداخته است .

افغانان صورت نه بلکي سيرت غواړي

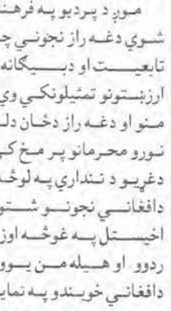
ش - زيارمل

په ډيري خواشيني سره مو خبر تر لاسه کړ چي دتيرو ديرشو کالو را په دي خوا به افغانستان د ښکلا په نړيواله سيالي کي برخه واخلي.

ويدا صمدزي افغاني نجلي چي دامريکا دمتحده ايالاتو تابعيت هم لري دښکلا په دغه نړيواله لويه کي چي د "ځمکي نجلي" نوميږي برخه اخيستي چي دغه سيالي به څه موده وروسته په فيليپين کي پيل شي.

ددغه خبر په اوريدو سره دافغانستان د ديندارو او مسلمانو خلکو احساسات راوپاريدل په هر کور او دفتر، کوڅه او بازار کي خلکو په دي باندي خواشيني څرګنده کړه چي څنګه کيداي شي دافغانستان دمسلمانو او ديندارو نجونو په نمايندګي يوه داسي نجلي چي په غرب کي لويه شوي او دافغاني فرهنګ له ټولو ارزښتونو څخه بي خبره ده د بي عزتي او بي پتي په دغه راز سيالي کي برخه واخلي او په دي توګه زموږ داصيل فرهنګ افغاني هويت ته زيان ورسوي.

موږ د پرديو په فرهنګ کي لوني شوي دغه راز نجوني چي دوه ګوني تابعيت او دبيګانه فرهنګ د ارزښتونو تمثيلونکي وي هيڅکله نه منو او دغه راز دخان دلو څوالي او د نورو محرمانو پر مخ کي دخپل بدن دغړيو د ننداري په لوڅه سيالي کي دافغاني نجونو شتوالي او برخه اخيستل په غوڅه اوزغرده توګه ردوو او هيله من يوو چي زموږ دافغاني خويندو په نمايندګي داسي نجوني چي هغوي خپل ټول افغاني هويت او اصالت له لاسه ورکړي هيڅکله هم نمايندګي ونه کړي او نه زموږ داسلامي هيواد دسپکاوي سبب وګرځي.



موږ ددغه راز نجونو او دغه راز بي سرحده ازادي ته چي دوي ورته دخپل طبعي حق رنګ ورکوي اوبايي ديموکراسي بولي په سپکه سترګه ګورو او هغه دخپل فرهنګ، دين او افغانيت په وړاندي يو ګواښ بولو، هرڅوک چي دغه راز ازادي غواړي او هغي ته دښځو دنهضت رنګ ورکوي هغه موږ دخپلو نجونو دسپيڅلتيا او پاکوالو په وړاندي ننګ او تور داغ بولو او هيله من يوو چي دغه راز بي

کچي ازادي به هيڅکله هم زموږ هيواد ته نه لاره پيدا کړي او نه به ددغه راز نجونو او يا دهغو دپلويانو دا هيله پوره شي چي که نن په لويديخ کي دغه راز بي بندوباره حرکات خپل غربي اصالت بولي سبا زموږ په پاکه خاوره کي دپاکدامني، سپيڅلتيا او تقدس پر ځاي، ناوړو کارونو ته لاس واچوي او دلته دلويديخ دفرهنګ ارزښتونه پلي کړي.

موږ ويدا صمدزي ته وايو چي افغانستان ته دلويديخ دنايټ کلپونو، سکس او نڅا وياړ مه وربښي



که تاسو په رښتيا سره افغاناني باست نو لطفاً دفرشتي لودين په څير نوم وګټي؛ هغي اصيلي افغاني ته دجرمني ستري محکمي څو ورځي مخکي اجازه ورکړه چي له حجاب سره په ټولګي کي تدريس وکړي افرين دي وي په دغي فرشته صفتي افغاني فرشتي چي افغاني فرهنګ يي وځلاوه او نيک نوم يي وګاټه تاسو هم لطفاً خپله لاره پريږدي او دفرشتي په لاره لاړشي؛ دا دټولو افغانانو توصيه ده او دا زموږ دافغاني فرهنګ سپانښتنه!

بايد وويل شي چي دښکلا دملکي په دغه پروګرام باندي دافغانستان دانتقالي دولت دښځو دچارو وزيري محترمي حبيبه سرابي هم انتقاد وکړي او ددغسي غونډو جوړيدل ئي دافغاني ټولني دغوره اخلاقو او دودونو پرخلاف بللي او د ويداصمدي دغه پريکړه ئي شخصي بللي او زياته کړي ئي ده چي هغه دافغانستان نمايندګي نشي کولاي.

محترمه سرابي دنورو په وړاندي په لوڅ لباس سره ديوي ښځي حاضريدل زموږ داصيل فرهنګ خلاف بللي زياته کړي ئي ده چي ښځي بايد له اسلامي او افغاني فرهنګ سره سمي په غونډوکي حاضري شي. خو ويداصمدي ويلي دي چي په واشنګټن کي دافغانستان سفارت له لاري دافغانستان دنماينده په توګه دغي سيالي ته معرفي شوي ده.

همکاری های کشور فرانسه در باز سازی افغانستان

سفیر فرانسه : تا مردم افغانستان خود سرمایه گذاری نکنند افغانستان آباد نمی گردد

وحید مژده و واقف حکیمی



سفارت دولت فرانسه در کابل چندی قبل جمعی از مدیران مسؤول نشریه های کابل را دعوت کرده بود. این دعوت در سفارت فرانسه ترتیب یافته بود که در آن سفیر و ماموران بلند پایهٔ سفارت شرکت داشتند ، هریک سفیر و مسؤول بخش تعلیم و تربیه و فرمانده نیروهای فرانسه در نیروهای ناتو (آیساف) در افغانستان در بارهٔ برنامه های دولت فرانسه در این کشور صحبت کردند سپس به اتفاق هم به پایگاه نیروهای فرانسوی درمرکز تعلیمی اردوی ملی در پلچرخی و از آن جا به فارم زراعتی دارالامان وسپس به موزیم کابل رفتیم وظهر برای صرف ناهار به سفارت بازگشتیم دراین میان گفتگو ها وسخنانی در پیرامون همکاری های فرانسه به افغانستان رد وبدل شدکه ما حصل آن را در گزارش زیر می آوریم.

افغانستان و فرانسه از دیر زمانی باهم روابط بسیار دوستانه داشته اند همکاری های فرانسه با افغانستان تازگی ندارد. کشور فرانسه در آغاز قرن بیستم لیسهٔ استقلال را برای پسران و لیسهٔ ملالی را برای دختران افغانستان اساس نهاد و استادان فرانسوی در آموزش کادر های ورزیده با افغانستان کمک هایی در خور ذکر نمودند. در بخش کمک های اکادمیک، کشور فرانسه با دانشگاه کابل در گذشته کمک هایی ارزنده داشته است.

کشور فرانسه در طول دوران جهاد برحق مردم افغانستان. از مردم افغانستان حمایت سیاسی و اخلاقی نمود و در تمام رأی گیری های سازمان ملل به جانبداری از خروج بی قید وشرط نیروهای اتحادشوروی از افغانستان رأی داد و کمک های بشردوستانهٔ این کشور به مهاجران افغانستان در طول سالهای جهاد قابل ذکر است. اما کمکهای کشور فرانسه پس از تحولات جدید و سقوط رژیم طالبان بخش های جدیدی را احتوا می کند که می توان گفت آنها عرصه های جدید و گسترده تری از همکاری میان دوکشور است. از این همکاری ها بخصوص همکاری در بازسازی اردوی ملی نظر به اولویتی که برای تأمین صلح و ثبات در کشور دارد، از همه برجسته تر است.

در بخش بازسازی اردوی ملی

کشور فرانسه به عنوان یکی از کشور های شامل ائتلاف با ایالات متحدهٔ امریکا و انگلستان در بازسازی اردوی ملی کشور ما سهم فعال دارد. امروز ص۷